

جوانان در شکنامی اصالت،

دستی و مدگرایی

16:17 P-08-1608

تألیف:

استاد علی باپیر

ترجمه:

بهزاد مولائی

سرشناسه	: باپیر، علی، ۱۹۶۱ - م.
عنوان قراردادی	: گه نجه کاهان له نیوان ره سه نایه تی و لاسایی کردنه وه دا، فارسی
عنوان و نام پدیدآور	: جوانان در تنگنای اصالت، وابستگی و مدگرایی/ تألیف علی باپیر؛ ترجمه بهزاد مولائی.
مشخصات نشر	: سنندج: ثلای رووناک، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۶۴ ص.
شابک	: 978-600-95104-8-1
وضعیت فهرست نویسی	: فنی
موضوع	: جوانان
موضوع	: فرهنگ‌زدایی -- ایران
شناخت افزوده	: مولائی، بهزاد، ۱۳۶۵ - مترجم
ه. ب. ک. نگره	: ۱۳۹۴۷۹۶HQ ۱۳۶۵۰۴۷ / ۱۳۶۵۰۴۷
رده بندی دیویی	: ۲۳۵/۳۰۵
شماره کتابشناس	: ۴۱۶۲۰۱۰



جوانان در تنگنای اصالت، وابستگی و مدگرایی

تألیف: علی باپیر

ترجمه: بهزاد مولائی

ناشر: ثلای رووناک

نوبت چاپ: اول، بهار ۱۳۹۴

تیراژ: ۲۰۰۰

قیمت: ۳۰۰۰ تومان

شابک: ۹۵۱۰۴-۸-۱-۶۰۰-۱۷۸

مراکز پخش: سنندج پاساژ عزتی انتشارات آراس

تلفن: ۰۸۷-۳۳۱۲۸۳۴۱

سقز کتابفروشی پیام نو ۱ و ۲

تلفن: ۰۸۷۳-۶۲۲۱۰۹۸

ایمیل: arasbooks73@gmail.com

ایمیل: allabook93@yahoo.com

فهرست

موضوع	صفحه
مقدمه‌ی ترجمه	۷
درباره‌ی کتاب	۱۰
پیشگفتار	۱۳
فصل اول:	۳۳
تعریفی از جوان، اصالت، نوجوان و مدگرایی	۳۳
فصل دوم:	۳۷
اهمیت مرحله‌ی نوجوانی و جوانی	۳۷
فصل سوم:	۴۱
اصالت و بهره‌گرفتن از تجارب دیگران دو چیر سحتاف ه نیستند	۴۱
فصل چهارم:	۵۱
پدیده‌ی تقلید از کجا سرچشمه گرفته و دلایل سرایت این بیماری چیست؟	۵۱
دلایل سرایت این بیماری	۵۳
فصل پنجم:	۵۹
درمان پدیده‌ی مدگرایی را در چه چیزی می‌بینیم؟	۵۹

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله و الصلاة و السلام على رسول الله محمد و آله المهتدين

بهذه

بنده : «علی بابیر» حق ترجمه‌ی تمام آثار خویش را به زبان فارسی
به رادر عزیزم «بهزاد مولائی» واگذار کردم، به شرط حفظ امانت و عدم
عبیر مفاهیم موجود در آثار و اینکه تا حد توان، در قیمت‌گذاری
کتاب، منافع خوانندگان را در نظر بگیرد.

از این روند کردم خواهانم که کاک بهزاد را در امورش موفق گرداند و
پیشاپیش به ایشان خیرات نباشد و تبریک می‌گویم.

۱۵ ذی الحجه ۱۴۳۰ برابر با ۲ کانون اول ۲۰۰۹

آقای علی بابیر

الحمد لله و الصلاة و السلام على رسول الله محمد و آله المهتدين

بنده : «علی بابیر» بهر جهت (بهزاد مولائی) مکتوب کرده

خواهات مانت بهر جهت (بهزاد مولائی) مکتوب کرده

که بهر امانت و حق بهر جهت (بهزاد مولائی) مکتوب کرده

تسلطانش در هر شرطه بهر جهت (بهزاد مولائی) مکتوب کرده

و دعای بهر جهت (بهزاد مولائی) مکتوب کرده

و هر که در هر جهت (بهزاد مولائی) مکتوب کرده

۱۵ ذی الحجه ۱۴۳۰

ع کاشفون کم ۹-۹

تلاش

ع

مقدمه‌ی مترجم

بنای خداوندی که انسان را با تفاوت‌های مختلفی در سلیقه و اندیشه و محیط آفید و اجازه‌ی انتخاب احسن را به بشر اعطا فرمود و آن را حسن عمل و صاحب اجر اخروی قرار داد و درود و سلام و رحمت بی‌انتهای خداوند بر بهترین رسول و معلم بشریت حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله آن پیامبری که با اخلاق زیبا و نیکوی خویش، بهترین فرهنگ بشریت را برای انسان به ارمغان آورد و با گواهی خداوند رب العالمین و ائمه اطهار علیهم السلام علم صرف نظر از هرگونه ایمان و اعتقاد، ایشان را نمونه‌ی کامل انسانیت و بهترین الگوی بشریت دانسته‌اند.^۱ وجود مبارک ایشان با آن اخلاق وارسته را افتخار بشریت دانسته‌اند. پس تا زمانی که بهترین الگو و سرمشق را داریم چرا باید پیرو و دنباله‌رو افرادی باشیم که بهشت آسمانی دارند و نه انسانی؟!

۱- برای نمونه به کتاب «شخصیة رسول الله صلی الله علیه و آله بین تصویر الوحی و تصوّرات الدارسین» تألیف: دکتر سعید المفناوی، دار ابن حزم، مراجعه فرمایید که در این کتاب دو جلدی به تفصیل به این موضوع پرداخته شده است.

هرچند حتی پیروی از بهترین الگوی بشریت، پیامبر ﷺ بدون تحقیق و ایمان کامل به مسیر ایشان کار پسندیده‌ای نیست و خداوند متعال، پیامبر صادق و امین را مورد خطاب قرار می‌دهد و می‌فرماید:

﴿فَبَشِّرْ عِبَادَ ۝۱۷﴾ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ ۚ أُولَٰئِكَ أَتَّبِعْ ۚ هَٰذَا هَدَىٰ اللَّهُ ۖ وَأُولَٰئِكَ هُمُ أُولُوا الْأَلْبَابِ ﴿۱۷﴾ زمر/۱۷ و ۱۸

«مژده بدو به بندگانم * آن کسانی که به همه سخنان گوش فرا می‌دهند و از بهترین و زیباترین آنها پیروی می‌کنند. آنان کسانیست که خدا هدایتشان بخشیده است، و ایشان واقعاً خردمندند.»

پس همه باید بدانیم عین الگویی و سرمشق در زندگی ما اصالت‌های فردی در تعادل نیست بلکه این مسیر، مسیری پسندیده و مورد تأیید تمام اهل نظر است، اما تقلید بی‌چون و چرا بدون در نظر گرفتن اصالت خویشتن و عقل و دفع عموم کار ناپسند و ناجایزی است.

و همگان باید بدانند که هر درمانی برای هر دردی مؤثر نخواهد بود؛ بلکه باید برای هر درد و المی، هم شخص مرخص، هم نوع مرض و نوع داروی متناسب با او را تجویز نمود تا الم و الم به صحت و سلامتی منجر گردد.

کتاب حاضر، کتابی است مختصر و مفید، که مؤلف آن با در نظر گرفتن ابعاد مختلف اصالت و وابستگی با توجه به شرایط اجتماع و واقعیت موجود و حقیقت مؤثر بررسی کرده و در آخر به علاج و درمان آن هم پرداخته و بنده تحت عنوان مترجم، خواندن این کتاب

را برای هر فرد دلسوز و دین پروری لازم می دانم و امیدوارم در این مسیر همگی با اخلاص برای خداوند قدم برداریم.
در پایان از برادران اسعد مولائی و آکو ربانی که در ویراستاری و ترجمه این مهم بنده را مساعدت نمودند کمال تشکر و تقدیر را دارم.

از تمام خوانندگان گرامی عاجزانه طلب داریم که با بررسی کردن عیب و نقص های ترجمه و با گوشزد کردن و طلب بخشش از خداوند متعال ما را همراهی فرمایند تا همه با هم در مسیر خدمت به اجتماعان سرفراز سربلند باشیم.

• السلام علی من اتبع الهدی

آدرس الکترونیکی: Mavlaeebehzad@yahoo.com

۱۳۹۷/۵/۲۲ - ۳۱ رمضان ۱۴۳۸ هـ
-08-1608-16:17 P

www.9tab.ir

درباره‌ی کتاب

این کتابچه - غیر از مقدمه‌ی آن - متن سخنرانی است تحت عنوان «جوانان در تنگنای اصالت، وابستگی و مُدگرایی» که در ۵ می سال ۱۳۸۰ در شهر «رانیه»، در جلسه‌ای، آراسته‌ی حضور تعدادی از دانش‌آموزان بن‌گوار گردید. در اوایل، این سخنرانی بر روی نوار کاست ضبط شد، بود که بعدها پسر، محمد، آنها را بر روی کاغذ پیاده کرد و عبدالرحمن را به دیگران، آنها را تایید کرد. از خداوند متعال می‌خواهم که در پایان آخرت مرتب و سرافراز گردانند. پس از این اقدام آن‌ها خودم آن را مروری کرد و مقدمه‌ای بدان اضافه نمودم و بدین صورت راستی جامع گردید.

لازم است بگویم این کتابچه شامل پنج بخش است :

بخش اول : شناخت جوان، اصالت، وابستگی و مُدگرایی. در این بخش تعاریفی کوتاه و مختصر درباره‌ی هر کدام از واژه‌های جوان، اصالت، وابستگی و مُدگرایی ارائه نموده‌ام.

بخش دوم : اهمیت دوره‌ی جوانی. در این بخش تبیین نموده‌ام که مرحله‌ی جوانی یکی از مراحل بسیار مهم زندگی انسان است و انسان در این مرحله، احساس شخصیت می‌کند و هرگونه شخصیتی که در این مرحله شکل گیرد، آغازی است برای مراحل دیگر زندگی انسان.

بخش سوّم : حفظ اصالت خود و بهره گرفتن از دیگران دو مقوله‌ی مخالف و متضاد هم نیستند. در این بخش به این مسأله پرداخته‌ام که اصالت، نه تنها تعارض و تناقضی با بهره گرفتن از دیگران ندارد؛ بلکه این دو، مکمل همدیگر هستند و اصالت مقتضی این است که اگر افرادی یا ملّتی که صاحب اصالت هستند، بکوشند هرآنچه را که خوب است، اما خود فاقد آنند، از دیگران کسب کرده و از آن به نفع جامعه‌ی خود استفاده کنند، به طور حتم حفاظت از خویشتن و اصالت خودشان مانع بدست آوردن خوبی‌ها و نیکی‌های دیگران نمی‌شود.

بخش چهارم : پدیده‌ی تقلید و مُدگرایی از کجا سرچشمه گرفته و دلایل و عوامل سرایت این پدیده چیست؟ در این بخش شعاع بحث خویش را بر اصل پدیده‌ی مُدگرایی تابانده‌ایم و در مورد عوامل پیدایش و دلایل گسترش و سرایت این بیماری فکری، روحی و اجتماعی در بین جوانان و نوجوانان، با هر دو گروه جنسی، سخن می‌گوییم. در کل می‌توان عوامل بوجود آورنده‌ی این بیماری و همچنین عوامل اشاعه‌ی آن را در موارد زیر خلاصه کرد :

- ۱- وجود پدیده‌ی تقلید و مُدگرایی در بین صاحبان فکر و سیاست
- ۲- تأثیرات منفی و ناگوار تبلیغات شوم اشراف به دین و لائیک
- ۳- مُست‌بودن پایه‌های فکری و روحی در بین فسر جوان و نوجوان.

بخش پنجم : علاج بیماری تقلید و مُدگرایی را در چه زمینه‌ایم؟ در این بخش درباره‌ی چگونگی علاج این بیماری بحث نموده‌ایم. در راستای این موضوع به سه مورد زیر اشاره کرده‌ایم :

- ۱- تبیین و درک این حقیقت که فکر و فرهنگ هر ملّت و

جامعه‌ای، نشأت گرفته از دین و عقیده و جهان‌بینی آنان است. به همین دلیل تقلید از تمامی مسائل فکری و فرهنگی جامعه و ملت‌ی که دین و عقیده و جهان‌بینی آنان با ما متفاوت است، بدون این که آن مسائل را با هم مقایسه کرده و خوب و بد آنها را از هم جدا کنیم و یا حلال و حرام‌بودن را برای آنها مطرح کنیم، تقلیدی غیرمنطقی و بی‌استدلال است.

۲- اطمینان به اصالت خویش، چون کسی که خودش را ناچیز دانسته و معتقد است که هیچ‌گونه اصل و اساس و ریشه‌ای ندارد، مثل خار و حاشا بی‌است که با کوچکترین وزش بادی، به هر طرف برده می‌شود.

۳- ریشه‌کن کردن وحدت و گرفتاری‌هایی که بر مردم، به خصوص نسل جوان، مبتنی شده و به تمام معنا آنان را از راه مشکلات و گرفتاری‌های سیاسی و بررسی آنها تحت عنوانی خاص و معین، کاری بسار سخت و دشوار است. چون به تمام جوانب فکری، عقیدتی، اخلاقی، خانوادگی، حکومتی، سیاسی، قضایی، اقتصادی، امنیتی و ... رسوخ کرده است.

امیدارم این کتاب وسیله‌ی تبیین و تفهیم تعداد زیادی از جوانان و نوجوانان گشته و پیروی از اصالت و فرهنگ اصیلان و افزایش داده و باعث حل مشکلاتمان شود. همچنین برای سایر ملل و اقوام هم، عامل رفع مشکلات شود.

پیشگفتار

جوانان و نوجوانان امروز، در بحرانی از مشکلات فکری و روحی و اخلاقی، چون نفرت از اسلام و مسلمانان و هر چیزی که به مسلمانان مربوط باشد، رویگردانی به تمام معنا از اسلام و گرایش همه جانبه به سکولاریزم و مُدگرایی و چشم و هم چشمی بی قید و شرط از غرب، به سر می برند که این هم در اثر راه و روش نادرستی است که گروه های سکولار در پیش گرفته و در تمام

جوانان سیاسی و تبلیغاتی شان واضح است
جا دارد بگویم که دوستان و رفقای سکولاریزم بیشتر

کسانی هستند که از اسلام بی خبر و بی اطلاع اند. بعضی از آنان بجز حرف ها و رخنه هایی که دشمنان اسلام از آن می گیرند چیز دیگری نمی دانند و به اصطلاح، نسبت به اسلام، نام کام (آمی) به حساب می آیند و در نهایت می توان عبارت «الناس اعداء ما حینوا» یعنی: «مردم دشمن چیزی اند که آن را نمی شناسند» بر آنان اطلاق کرد.

به نظر من دلیل بی خبری و ناآگاهی این افراد - که بی-بینی و بی برنامه ای ملت و جامعه ی آنان، جزء مهمی از تاریخ گذشته شان شده و به بحثی لاینفک از فرهنگ و فکر و ادب آنان تبدیل شده -

چهار چیز می باشد:

۱- پرورش یافتن و زندگی کردن در محلی دور از اسلام و مسلمانان و این مورد در افرادی که مدت‌ها در غرب زندگی کرده‌اند، به وفور یافت می‌شود.

۲- از همان ابتدا نسبت به اسلام دچار بدبینی و ناامیدی شده‌اند و کسی نبوده که آنان را با قرآن و سنت، این دو سرچشمه‌ی کامل و بی‌عیب و نقص، آشنا کند.

۳- آنان ذاتاً اسلام را بر این حال آشفته و پریشان مسلمانان و همچنین سبب ماندن آنان قیاس می‌کنند. آنان به اشتباه فکر می‌کنند که وضعیت آشفته و نامناسب مسلمانان به خاطر اسلام است. لذا استدلال می‌کنند که وقتی مسلمانان به خاطر دینشان به این درد گرفتار شده‌اند، پس معلوم است دینشان اشتباه است!! بدون شک چنین تفکر و قیاسی، از پایه و اساس اشتباه است.

چون وقتی می‌توان عملکرد جامعه‌ای را ملاک راست یا دروغ بودن برنامه و هدفشان قلمداد کرد که به برنامه و نو پایبند بوده و از آن پیروی کنند. وقتی آنان به چیزی که می‌گویند عمل نمی‌کنند، وقتی که به اعتقادات و برنامه‌ی خودشان پایبند نیستند و حتی عکس آنها عمل می‌کنند، نمی‌توان عملکرد آنان را دلیلی بر درست یا نادرست بودن برنامه و هدفشان دانست. حال این سؤال پیش می‌آید اگر پزشکی، سیگاری یا مشروبی باشد می‌توان رفتار او را دلیلی بر نادرستی و بی‌ثمر بودن علم پزشکی دانست؟ بدون شک چنین نیست. وقتی اسلام به مسلمانان امر فرموده که با هم برادر باشید :

﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ

إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءُ قَالَتْ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

﴿۱۰۳﴾ آل عمران/ ۱۰۳

«و همگی به رشته (ناگستنی قرآن) خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود به یاد آورید که بدان گاه که (برای همدیگر) دشمنانی بودید و خدا میان دلهایتان (انس و الفت برقرار و آن را به هم) پیوند داد، پس (در پرتو نعمت او برای هم) برادری شدید، و (همچنین شما با بت پرستی و شرکی که داشتید) بر لبه گودای از انس (دوزخ) بودید (و هر آن با فرا رسیدن مرگتان بیم فرو افتادن در آن می رفت) ولی شما را از آن رها کنید (و به ساحل ایمان رسانید) خداوند این چنین برایتان آیات خود را

آشکار می سازد، شاید که هدایت شوید.»

وقتی امر فرموده که عدالت را در میان من و شما برقرار سازید و دشمنی را بشوید

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْأَسْوَطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ حُبًّا فَحُبًّا لَا تَلْوُا أَوَّلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَوُّا أَوْ نَعَرَوا مِمَّا كَانِ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا﴾ ﴿۱۳۵﴾ نساء/ ۱۳۵

«ای کسانی که ایمان آورده اید! دادگری پیشه سازید و به نامه عدل و داد بکشید، و به خاطر خدا شهادت دهید (و از این سو و آن سو جانبداری نکنید) هر چند که شهادتتان به زیان خودتان یا پدر و مادر و خویشاوندان بوده باشد. اگر کسی که به زیان او

شهادت داده می شود دارا یا ندار باشد، (رغبت به دارا، یا شفقت به ندار، شما را از ادای شهادت حق منصرف نکند) چرا که (رضای خداوند از (رضای) هردوی آنان بهتر است (و خدا به مصلحت آن دو آگاه تر از شما است) پس از هوا و هوس پیروی نکنید که (اگر چنین کنید از حق) منحرف می گردید (و به باطل می افتید). و اگر زان از ادای شهادت حق بیچانید یا از آن روی بگردانید، خداوند از آنچه می کند آگاه است (و پاداش اعمال نیک و مجازات اعمال بدتار را می دهد).»

ولی از آن عکس اینها عمل کرده و از اسلام دور شده اند، بی گمان اشتباه از آنان است به آن دین شان!!

۴- بنای مسیحیان بر اینست که زمانی در دست کسان و گروه های کبر و کینه ایستاده و کینه ای و پاپها بودند و کابوس ترسناکی برای انبوهی از مردم و مانع دشوار بر سر راه تغییرات زندگی و شادی و آزادی آنان شدند. به همین دلیل است که می بینیم بعضی وقت ها، روزنامه نگاران و روشنفکران سکولار چیزهایی از این قرار می گویند: غربیان وقتی در زندگی شان تغییر و تحول ایجاد شد و پیشرفت کردند که از دین شان دست کشیدند. پس اگر ما هم می خواهیم پیشرفت کنیم باید مثل آنان رفتار کرده و دین را کنار بگذاریم. بی خبر از این که اسلام ما مسلمان به اندازه ی آسمان و ریسمان از نصرانیت^۱ آنان دور بوده و دین ما با دنیای آنها متفاوت

۱- مطمئناً دین و برنامه ی حضرت عیسی (علیه السلام) یکی از برنامه های خداوند است. همه ی برنامه های خداوند درست و کامل بوده اند که بعدها تحریف شده اند، غیر از اسلام؛ چون

است. برای اثبات این حقیقت می‌توانیم به دو دلیل اشاره کنیم

(الف) واقعیت تاریخ مسلمانان و مردم غرب، دقیقاً وارونه‌ی هم هستند. آنها تا زمانی که از این آیین آشفته و تحریف‌شده‌شان پیروی می‌کردند، عقب افتاده و آشفته حال بودند و وقتی که آنرا کنار گذاشته و رها کردند، پیشرفت چشم‌گیری کردند - خصوصاً از لحاظ مادی - . ولی ما مسلمانان، برعکس، تا زمانی که به اسلام مقید بودیم و کم و بیش از قرآن پیروی می‌کردیم، نه تنها از سایرین پیش‌رفته‌تر و پرتلاش‌تر بودیم؛ بلکه سرقافله‌ی کاروان تمدن بشری بوده و در مسائل مختلف دنیوی اعم از علم، آزادی، عدالت، اصلاح و سازش و ... الگ و نمونه‌ی بشریت بودیم. اما وقتی از اسلام دور و بیگانه شدیم کارمان گره خورد. و از کاروان جاماندیم. این یک واقعیت تاریخی است که تاریخ‌نویسان غیرمسلمانی چون درابر، هولستر، آدام تین و کارل لایب انجل از تاریخ‌نویسان مسلمان به آن اشاره کرده‌اند.

(ب) بخش‌هایی از قرآن و سنت که به سرحاح بر چیزهایی فرمان می‌دهند که خوشبختی بشر و پیشرفت زندگی روزمره‌ی او در آنهاست. برای مثال به چند نمونه در این باب اشاره می‌کنیم :

۱- فکرکردن و بکار انداختن عقل و اندیشه برای کشاکش رازها و حقایق هستی :

اسلام آخرین برنامه‌ی خداوند بوده و برای تمام مخلوقات فرستاده شده و به همین خاطر خداوند اسلام را از تغییرات دست انسان محفوظ داشته است. خداوند فرموده :

[إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ] حجر/۹۱

﴿ أَوَلَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ إِلَيْهِمْ قِيَامُ يَوْمِهِمْ فَهُمْ أَنْ يَوْمُومُونَ ﴾
اعراف/۱۸۵

«آنان به یکتاپرستی و توحیدی که محمد ایشان را بدان می خواند، ایمان نمی آورند) آیا آنان به ملک (پهناور و عظمت گفت) آسمانها و زمین (و عجایب و غرایب آنها) و به هر آنچه که خدا او داده است نمی نگرند (و آنها را ورنه انداز و واریسی نمی کنند) تا که قدرت صانع و وحدانیت مالک جهان را ببینند؟ و آیا نمی اندیشد که چه بسا اجل آنان نزدیک شده باشد؟ (پس تا فرصت باقی است حق را بپذیرند و ایمان به حق را در خود تقویت کنند، و اگر پذیرش اسلام امر تازه و مردمانکند اگر آنان به این قرآن که پر است از دلیل و برهان، ایمان نیاورند) پس بالاتر از آن به چه سخنی (و دعوت دیگری) ایمان می آورند؟ (شاید در انتظار کتابی برتر از قرآنند؟ چه نادان مردمانند؟)»

﴿ فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ ۝ طَارِقٌ ۝

«انسان باید بنگرد و دقت کند که از چه چیز آفریده شده است؟!»

﴿ فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ ۝ عَبَسَ ۝ ۲۴ ۝

«انسان باید به غذای خویش بنگرد و درباره آن بیندیشد (که چگونه ما آن را برای او فراهم کرده ایم، و در ساختمان مواد غذائی و اجزاء حیات بخش آن، چه دقت و مهارت و ظرافتی به کار برده ایم).»^۱

۱. و یا انسان در غذای خویش بنگرد تا بداند در هر کدام چه موادی نهفته و کدام یک